



Analyzing the Relationship between Attribution and Elements of the Crime in Iranian Criminal Law, Islamic Jurisprudence and Iraqi Law

Amir Bagherzadegan ¹, **Mohammad-Ebrahim Shams-E-Nateri** ²

1. Faculty member, Law Department, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Iran, Tehran (Corresponding author), Email: amirbagherzadegan@pnu.ac.ir

2. Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of law, College of Farabi, University of Tehran, Iran, Qom, Email: eshams@ut.ac.ir

Abstract

In examining the opinions of jurists and lawyers, what must be considered as a mandatory common point in identifying the responsible agent is the proof and establishment of the attribution relationship in its specific meaning. The legislator also emphasizes the necessity of establishing the attribution relationship in Articles 492 and 493 2013, and in fact, the attribution relationship is a means of recognizing the influence of various factors involved in the criminal phenomenon; and in this sense, this relationship must exist and not be interrupted or negated so that we can determine to which agent the crime will be attributed. According to Article 29 of the Iraqi Penal Code, the attribution relationship is also accepted in Iraqi law, and the agent who is guilty and effective is considered responsible for the effects of committing a crime. This qualitative research was written using the content analysis method, and by examining jurisprudential and legal sources with a legal and ethical approach, an attempt has been made to present an appropriate analysis of the legislator's and legislator's approach to the relationship between attribution and its relationship with the elements of crime. It was determined, by analyzing various opinions, the existential basis of the attribution relationship is the identification of the agent responsible for the criminal behavior, and to realize it, it is necessary to have all the elements of the crime in the perpetrator. If the perpetrator committed the crime as a result of the actions of a stronger cause, the crime is attributed to the stronger cause, even though they did not realize the physical element of the crime. From this legislative action in Article 526, it is clear that in the dual element of physical and mental element, the responsibility lies with the indirect agent and the person who meets the conditions of criminal responsibility, not physical perpetrator of the crime. The Iraqi legislator has only dedicated one article to the responsible factor, and according to it, the person is responsible for the direct and indirect effects of their behavior.

Keywords: attribution relationship, indirect factor, Iraqi law Elements of the crime, Iraqi Penal Code.

Received: 27/03/2025

Revised: 25/04/2025

Accepted: 08/05/2025

How To Cite Bagherzadegan, Amir & Shams-E-Nateri, Mohammad-Ebrahim, (2025). Analyzing the Relationship between Attribution and Elements of the Crime in Iranian Criminal Law, Islamic Jurisprudence and Iraqi Law, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2 (2), 1-31. <https://doi.org/10.22091/delic.2025.12846.1076>

Published by: University of Qom

© **The Author(s)**

Article type: Research



واکاوی نسبت رابطه استناد و ارکان جرم در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و حقوق عراق

امیر باقرزاده‌گان^۱، محمدابراهیم شمس ناتری^۲

۱. عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، تهران (نویسنده مسئول)، رایانامه:

amirbagherzadegan@pnu.ac.ir

۲. استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، ایران، قم، رایانامه: eshams@ut.ac.ir

چکیده

در مقام بررسی نظرات فقها و حقوق‌دانان، آنچه به‌عنوان نقطه مشترک الزامی در تشخیص عامل مسئول باید مورد عنایت قرار گیرد، اثبات و احراز رابطه استناد در مفهوم خاص آن است. قانون‌گذار نیز در مواد ۴۹۲ و ۴۹۳ (م.ق.ا) ۱۳۹۲، بر لزوم احراز رابطه استناد تأکید دارد؛ درواقع، رابطه استناد، مجرای شناخت تأثیرگذاری عوامل مختلف دخیل در پدیده مجرمانه است و به همین لحاظ، این رابطه باید وجود داشته و منقطع و منتفی نشده باشد تا طبق آن بتوان تشخیص داد که جرم به کدام عامل منتسب خواهد بود. مطابق ماده ۲۹ قانون عقوبات عراق، رابطه استناد در حقوق عراق نیز پذیرفته شده و عاملی که مقصر و مؤثر است، در قبال آثار ارتکاب جرم مسئول قلمداد می‌شود. این پژوهش کیفی، با روش تحلیل مضمون نگارش یافته و با بررسی منابع فقهی و حقوقی، با رویکردی حقوقی و اخلاقی، سعی بر آن داشته است تا تحلیلی مناسب از رویکرد شارع و قانون‌گذار نسبت به رابطه استناد و نسبت آن با ارکان جرم ارائه دهد. با تحلیل نظرات گوناگون، مشخص گردید که مبنای وجودی رابطه استناد، تشخیص عامل مسئول رفتار مجرمانه است و برای تحقق آن، نیاز به جمع ارکان جرم در مرتکب است. در صورتی که فاعل جرم بر اثر اقدامات سبب اقوی مرتکب جرم شده باشد، جرم مستند به سبب اقوی است، هرچند او رکن مادی جرم را تحقق نبخشیده باشد. از این عملکرد قانون‌گذار در ماده ۵۲۶ مشخص می‌شود که در دوگانه رکن مادی و معنوی، مسئولیت متوجه عامل غیرمستقیم و شخصی است که شرایط مسئولیت کیفری را داراست، نه مرتکب مادی جرم. قانون‌گذار عراق تنها یک ماده را به عامل مسئول اختصاص داده است و به نظر می‌رسد مطابق آن، فرد مسئول، آثار مستقیم و غیرمستقیم رفتار خود است.

کلیدواژه‌ها: رابطه استناد، عامل غیرمستقیم، حقوق عراق، ارکان جرم، قانون عقوبات عراق.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

استناد: باقرزاده‌گان، امیر؛ شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۴۰۴). واکاوی نسبت رابطه استناد و ارکان جرم در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و حقوق عراق، *آموزه‌های*

حقوق کیفری کشورهای اسلامی، ۲ (۲)، ۳۱-۱. <https://doi.org/10.22091/dlic.2025.12846.1076>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲،^۱ قانون‌گذار زمانی که عوامل مختلف در وقوع جنایت نقش دارند، جرم را مستند به عاملی می‌داند که تأثیرگذار بوده است و اگر چند عامل در وقوع جرم تأثیر داشته باشند، هر یک به میزان تأثیرشان مسئولیت خواهند داشت. بنابراین، در این ماده مشخص است که در فرضی که عوامل مختلف در وقوع جرم و جنایت نقش داشته باشند، عمل مجرمانه متناسب به عامل مؤثر و شخصی است که بیشترین تأثیرگذاری را در عمل مجرمانه داشته است. عامل تأثیر شاید در بدو امر ملاک تفکیک خوبی به نظر نرسد؛ زیرا کاملاً مشخص است که بین عامل مؤثر و غیر مؤثر، عمل متوجه عامل مؤثر است و از طرف دیگر، کشف عامل اصلی با توجه به اختلاف نظر فقها و عملکرد قابل نقد قانون‌گذار، کار دشوار و پیچیده‌ای است و خود می‌طلبد که معیارهایی جهت تشخیص ملاک تأثیر، مشخص و بیان گردد. لذا عامل تأثیر مبنای تفکیک مناسبی به نظر نمی‌رسد؛ اما از طرف دیگر قانون‌گذار چه در بحث از رابطه استناد، چه در ماده کلیدی ۵۲۶ که در آن به دنبال عامل مسئول می‌گردد، ملاک تأثیرگذاری را پذیرفته و این مفید این معناست که باید قائل به ملاک تأثیر در تشخیص عامل مؤثر بود، اما با مراجعه به فقه و قانون و دقت در بحث باید ملاک‌های تأثیرگذاری و پیدا کردن سبب مسئول را یافت.

شاید سوای ملاک‌هایی چون سبب مقدم در تأثیر یا سبب پویا یا مسئولیت مشترک اسباب عرضی و عمدی که برگرفته از فقه نیز می‌باشند در کشف عامل تأثیرگذار توجه به نقش وی در تحقق عمل مجرمانه به واسطه نقش مادی یا معنوی غیر مستقیم وی و تأثیرگذاری وی بر مرتکب مستقیم و ارتکاب جرم، معیار سنجش صحیحی به دست بدهد که به کمک آن بتوان انواع رفتار غیر مستقیم مسئولیت آفرین را از هم تفکیک نمود که این موضوع به نظر مورد توجه قانون‌گذار نیز هست چراکه نقش برجسته در ارتکاب جرم قطعاً بر مسئولیت فرد و شناخت او به عنوان عامل مؤثر و مسئول، تأثیر خواهد گذاشت. در ملاکاتی چون سبب مقدم در تأثیر یا سبب پویا باز این نقش پررنگ عامل غیر مستقیم هست که مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. همچنین در بُعد معنوی نیز قصد مشترک اسباب مختلف سبب می‌شود تمام آن‌ها سوای اینکه چه میزان تأثیرگذاری مادی در وقوع جرم داشته باشند،

۱. ماده ۵۲۶ - «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب، ضامن است.»

به‌عنوان مسئول شناخته شوند که این موضوع در انتهای ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۱ مورد توجه و تأیید قرار گرفته است.

سبب را می‌توان به دو نوع مادی و روانی تقسیم نمود، سبب مادی مانند قرار دادن شیء لغزنده در مسیر دیگری و سبب معنوی مانند فریب و مغرور نمودن دیگری است که در این بحث از آن، به‌عنوان «سبب روانی یا حسی» یاد می‌شود. سبب چه مادی باشد، چه معنوی دارای اثر واقعی بر روی دیگری است و روانی یا مادی بودن سبب منکر اثر حقیقی آن بر روی عمل مجرمانه نیست. بنابر عقیده‌ای باید توجه داشت، ملاک اصلی در تشخیص عامل مسئول، صرف تأثیر است و میزان تأثیر و تقصیر هر کدام از عوامل، در شناسایی عوامل مؤثر، مدّ نظر نیست. بنابراین، قسمت اخیر ماده ۵۲۶ که در هنگام تعدد عوامل دخیل در اضرار مقرر داشته است: «... مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است.»^۲

اولاً، به جهت نسبی بودن تأثیر و عدم وجود معیاری دقیق برای سنجش میزان آن و ثانیاً، به دلیل مخالفت با اصول پذیرفته شده‌ای مانند ضمان سبب مقدم در تأثیر در اجتماع اسباب، مندرج در ماده ۵۳۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و ضمان مباشر در اجتماع سبب و مباشر، جز در اقوی بودن سبب نسبت به مباشر، مندرج در ماده ۳۶۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ صحیح به نظر نمی‌رسد (صادقی و میرزایی، ۱۳۹۵: ۵۸). ضمن اینکه اثر ناپذیری میزان ضمان از میزان تقصیر، مورد اشاره جمعی از فقها نیز قرار گرفته است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۳۳۸؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۱۱۵؛ برغانی، ۱۳۸۲: ۱۰۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۱۰۳). البته قول مخالفی نیز در این زمینه وجود دارد (فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۴۸۹) و باید توجه داشت در نظم فعلی حقوقی، قانون‌گذار به میزان تأثیرگذاری نظر داشته و در جایی که عوامل مختلف مؤثر در ارتکاب جرم را بخواهیم مسئول

۱ ماده ۵۳۵ - «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به‌صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.»

۲. شاید این بخش از ماده بر اساس استفتاء از بعضی فقهای متأخر نگارش یافته است که عقیده دارند میزان ضمان، برابر میزان تقصیر است. بنگرید به (صانعی، بی‌تا: ۶۶۱ و روحانی و منتظری گنجینه استفتانات قضایی، سؤال ۶۹۵۹ و بهجت و نوری همدانی و موسوی اردبیلی، گنجینه استفتانات قضایی سؤال ۵۷۳۸).

این نظر دارای این توجیه است که تأثر میزان ضمان از میزان تأثیر یا تقصیر موافق با «قاعده عدالت» و «قواعد عمومی ضمان» است (علیدوست، ۱۳۹۱: ۹۷) پاسخ این توجیه در بالا ذکر گردیده است.

قلمداد کنیم، میزان مسئولیت به میزان تأثیر خواهد بود و شاید مبنای شارع در مسئول تلقی کردن سبب مقدم در تأثیر نیز همین میزان اثرگذاری آن روی سایر اسباب و همچنین در تحقق جرم باشد و ماده ۳۶۴ (ق.م.ا. ۱۳۷۰) نیز جای خود را به ماده ۵۲۶ فعلی داده که در آن پیش فرض مسئولیت مباشر وجود ندارد. به هر روی به نظر می‌رسد، در حال حاضر معیار کلیدی، میزان تأثیرگذاری عوامل مختلف هست (علیدوست و بای، ۱۳۹۱: ۴۸؛ حیدری، ۱۳۸۷: ۴۵) و در عمل به‌ویژه در تصادفات و سوانح افراد و عوامل مسئول بر اساس میزان تقصیرشان شناسایی می‌شوند (فلاح، ۱۳۹۵: ۷۹). بنابراین تأثیر و میزان آن معیاری کلیدی قانون‌گذار در توجه مسئولیت به اشخاص است و فرد چه عامل مستقیم ارتکاب جرم باشد چه عامل غیرمستقیم و چه علت باشد، چه سبب یا حتی در مواردی شرط به‌صرف تأثیرگذاری در عمل مجرمانه مسئول شناخته شده و در راستای عدالت بسته به میزان تأثیرش مسئولیتش مشخص خواهد شد.

در حقوق عراق هم مسئولیت عامل مستقیم یا مباشر به رسمیت شناخته شده است و هم مسئولیت عامل غیرمستقیم یا سبب و تأثیرگذاری هر دو در وقوع نتیجه و استناد نتیجه به آن‌ها مورد پذیرش است، مطابق یک دیدگاه، سبب ضامن است، حتی اگر عامد یا متخلف نبوده باشد و مباشر ضامن نیست، مگر اینکه خلافی از او صادر شود (ساجت، ۱۴۰۰). به‌رغم این دیدگاه به نظر می‌رسد با توجه به بند دوم ماده ۲۹ قانون عقوبات عراق^۱ میزان مسئولیت فرد تا حدی است که بتوان او را مقصر دانست و جنایت را به وی مستند نمود و اگر عامل دیگری باشد که جرم را مستند به خود نماید، اوست که مسئولیت خواهد داشت. چراکه مطابق ماده مذکور اگر سببی وجود داشته باشد که کفایت نتیجه را بنماید و بتوان نتیجه را بدان مستند نمود، اوست که مسئولیت دارد و مباشر فقط نسبت به فعل خود اگر آثار مجرمانه‌ای داشته است، مسئولیت خواهد داشت و نمی‌توان این مباشر را در قبال نتیجه‌ای که در اثر عملکرد سبب حادث شده است، مسئول دانست.

در حقوق ایران نیز، مطابق ماده ۵۳۶،^۲ سبب در صورتی مسئولیت خواهد داشت که غیرمجاز باشد و اگر سبب مجاز باشد، مسئولیتی متوجه وی نخواهد شد. بنابراین، به نظر می‌رسد چه در حقوق ایران و چه در حقوق عراق، عامل غیرمستقیم در صورتی مسئولیت خواهد داشت که غیرمجاز یا مقصر باشد و اگر سبب تقصیر نداشته باشد، مسئولیتی نخواهد داشت. اما در زمینه مباشر، به نظر می‌رسد در عرصه حقوق کیفری وحدت عملکرد در

۱. «ما إذا كان ذلك السبب وحده كافياً لحدوث نتيجة جرمية فال يسأل الفاعل في هذه الحالة إل عن الفعل الذي ارتكبه.»

۲. «هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد، مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیر مجاز بوده، ضامن است.»

حقوق ایران و عراق وجود دارد و مباشری که عامد یا مقصر باشد، مسئولیت خواهد داشت؛ اما در مسئولیت مدنی و پرداخت دیه، نیازی نیست که مباشر مقصر باشد و حتی اگر مباشر مقصر نباشد، مسئولیت خواهد داشت که جنایت خطای محض در حقوق کیفری، مصداقی بر صدق این دیدگاه است.

در حقوق مدنی ایران نیز، در ماده ۳۲۸ قانون مدنی،^۱ مباشر تلف، مسئول کلیه خسارات خواهد بود؛ چه به عمد تلف کرده باشد، چه بدون عمد. منطبق با اطلاق این ماده، شخص مباشر در هر حال، ضامن خسارت وارده بر دیگران خواهد بود. در حالی که مطابق ماده ۲۰۴ قانون مدنی عراق،^۲ فرد در صورتی در قبال افعال خود مسئولیت خواهد داشت که مقصر باشد و در نتیجه تقصیر او، خسارتی به بار آمده باشد (المشهدانی، ۱۹۷: ۲۰۲۰).

۱. مفهوم رابطه استناد

توجه به مسئولیت کیفری مستلزم توجه به رابطه استناد است؛ زیرا لازمه مسئولیت کیفری وجود رابطه استناد و توجه جرم و خطای ارتكابی به فرد است. بنابر قولی رابطه استناد، آن رابطه‌ای است که بیانگر پیوند سببی یا علی بین دو پدیده مادی یعنی رفتار و نتیجه است (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). به همین لحاظ این رابطه باید وجود داشته و منقطع و متفی نشده باشد و طبق آن بتوانیم تشخیص دهیم جرم به چه عاملی منتسب خواهد بود؛ اما از طرف دیگر می‌توان گفت مطابق ماده ۴۹۲ (ق.م.ا) ۱۳۹۲،^۳ رابطه استناد برای تشخیص عامل مسئول است که لزوماً مرتکب جرم نیست، کما اینکه در سبب اقوای از مباشر هر چند مباشر مرتکب جرم گردیده است. اما جرم به وی مستند نیست و جرم مستند به عامل غیر مستقیم و سببی است که مباشر را به سمت ارتکاب جرم سوق داده است؛ لذا هر چند در ماده ۴۹۲ (ق.م.ا) قانون‌گذار از رابطه استناد بین رفتار و نتیجه سخن گفته که گویای وجود رابطه استناد در رکن مادی است، اما این جنس رابطه در مواد بعدی و بحث مباشرت و تسبیب مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است و کسی که جرم را مستقیم انجام می‌دهد، مباشر یا همان علت جرم است و بین رفتار وی و نتیجه مجرمانه رابطه علیت وجود دارد و کسی که غیر مستقیم مرتکب جرم می‌شود، سبب ارتکاب جرم بوده و بین جرم وی و نتیجه مجرمانه، رابطه سببیت وجود دارد. اما لزوماً این سبب یا مباشر، مسئول جرم ارتكابی نبوده؛ بلکه

۱. «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کن ضامن نقص قیمت آن مال است.»

۲. «کل تعد یصیب الغیر بای ضرر آخر غیر ما ذکر فی المواد السابقة يستوجب التعویض.»

۳. ماده ۴۹۲ - «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود.»

شخصی که عامل اقوی محسوب می‌شود، کسی است که جرم را به خود منتسب می‌کند؛ یعنی جرم مستند به شخصی می‌شود که مرتکب مادی آن نیست و مسئولیت کیفری عمل مجرمانه را وی تحمل می‌نماید. در قانون مجازات عراق درباره اینکه چه کسی مباشر یا سبب است، بحثی نشده و تشخیص مباشر یا سبب بودن مرتکب بر عهده قاضی است (حمدامین ابراهیم، ۱۳۹۹: ۶۸). عدم اشاره به طرق ارتکاب در قانون مجازات یک کشور نشان از نقص قانون عراق و عدم توجه لازم به کیفیت ارتکاب جرم است که همین امر رویه قضایی را با مشکلات قابل توجهی در تشخیص عامل مسئول مواجه می‌کند و چه‌بسا این قانون‌گذاری ناقص در عمل منجر به از دست رفتن عدالت و تضییع حقوق افراد گردد؛ اما آنچه مسلم است رابطه سببیت به‌عنوان جزء سوم رکن مادی در حقوق عراق پذیرفته شده است (عبدالصاحب، ۲۰۲۵: ۹۹). در این معنا عامل چه مباشر باشد و چه سبب باید موجبات تحقق نتیجه را فراهم کرده باشد؛ بنابراین معیار مسئولیت وجود این رابطه و عدم قطع توسط عامل دیگر است (حامدعباس، ۲۰۲۵: ۳).

برای اینکه بتوان شخصی را به‌ازای رفتاری مسئول بدانیم باید رابطه استناد بین رفتار وی و نتیجه مجرمانه احراز گردد (فروغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۲). این رابطه، رابطه‌ای علمی و مادی است که متأثر از شرایط حاکم بر رکن مادی است، اما برخی معتقد هستند، عرف بین رفتار متهم و نتیجه مجرمانه رابطه علیت برقرار می‌گرداند، هرچند نتوان از لحاظ مادی بین رفتار و نتیجه رابطه علیت برقرار نمود (شاکری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۷). در میان فقها نیز برخی به‌صراحت به جایگاه عرف در استناد جرم به رفتار مرتکب تأکید داشته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۹۶). طبق این نظرات، اگر عرف بین اقدام انجام شده و نتیجه، رابطه علیت برقرار کند، به‌نحوی که بتوان بدان استناد نمود، مرتکب از منظر حقوق کیفری مسئولیت دارد (الهی‌منش و دیگران، ۱۳۹۲). قانون‌گذار در ماده ۴۹۲ (ق.م.ا) ۱۳۹۲، وجود رابطه استناد بین رفتار صورت گرفته و جرم ارتكابی را ضروری می‌داند و باید جرم به فردی مستند باشد تا بتوان وی را از جنبه جزایی مسئول دانست و از طرفی مسئولیت مدنی را نیز بر او بار نمود. همان‌طور که مشخص است رابطه استناد وام‌دار رابطه علیت یا سببیت که مجزا از تقصیر بوده (قربانپور، ۱۳۸۵: ۹) و جایگاه آن در رکن مادی جرم است (امام‌دادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰) است و زمانی که جرم صورت می‌گیرد، ابتدا به دنبال رابطه سببیت و بعد سایر شرایط مسئولیت کیفری می‌گردیم (السبعاولی، ۲۱۰۵: ۸۳-۹۰)، اما بعضاً تمام این‌ها را به یک معنا گرفته‌اند (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۲۲). در حقوق کشور عراق نیز به نظر بر همین مبنا عمل شده است. قانون مجازات (عقوبات) عراقی مصوب سال ۱۹۶۹ که همچنان جاری است، در این زمینه فقط یک ماده

را آورده است و هرچند قانون‌گذار تلاش داشته با این یک ماده معیار معینی را در تشخیص عامل مسئول ارائه نماید، اما به نظر می‌رسد که موفق نبوده، چراکه قانون ناقص بوده و پاسخگوی حالات مختلف نیست و قضات در حالت تعدد عوامل دچار سختی در تشخیص می‌گردند (حمدامین ابراهیم، ۱۳۹۹: ۹) تا نتوان بین رفتار ارتكابی و نتیجه حاصله رابطه علی و معلولی یا سبب و مسببی برقرار نمود صحبت از رابطه استناد بی‌معنا خواهد بود. از طرفی عده‌ای بر این باور هستند که رابطه استناد غیر از رابطه علیت است (حبیبی تبار، ۱۳۹۷: ۱۳) و استناد تداعی‌گر مفهوم انتساب است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۳؛ علیدوست و بای، ۱۳۹۱: ۴۸)؛ یعنی شخص باید بالغ، عاقل و مختار و همچنین آگاه به رفتار خودش باشد تا بتوان جرم را به وی نسبت داد (سبزیان فرد، ۱۳۹۷: ۴۴). اینکه رابطه استناد دقیقاً به همان معنای رابطه علیت یا سببیت است امری مورد اختلاف است، از یک طرف قانون‌گذار در ماده ۴۹۲ بیان می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که جنایت حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از اینکه به نحو مباشرت یا تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود.» یعنی برای استناد یک جنایت (که البته به حکم ماده ۴۹۳ رابطه استناد در تمام جرائم نیاز به وجود و اثبات دارد) حتماً فرد باید نقش‌آفرینی در قالب مباشر یا سبب در ارتکاب جرم داشته باشد و این بدان معناست که فرد یا مستقیم یا غیرمستقیم رفتار مجرمانه را به انجام رسانده باشد و الا استناد جرم به او بی‌معنا خواهد بود. به موجب ماده ۱-۲۹ قانون مجازات (عقوبات) عراق^۱ از شخص درباره جرمی که نتیجه رفتار او نبوده است، بازخواست نمی‌شود؛ اما از او درباره جنایتی که اگر چه با رفتار خود در آن نقشی داشته باشد یا علت قبلی یا معاصر یا لاحق با اعمال دیگر در وقوع جرم باشد بازخواست می‌شود، حتی اگر وی از این امر غافل بوده باشد (حمدامین ابراهیم، ۱۳۹۹: ۱۳). همین موضع در نظام حقوقی کشورهای لبنان، سوریه و مصر نیز مشاهده می‌شود که همگی برگرفته از حقوق کشور ایتالیا می‌باشند (عبدالصاحب، ۲۰۲۵: ۹۹). مطابق ماده مذکور کار تشخیص عامل مسئول سخت می‌گردد. اما این ماده، این مفهوم را در ذهن تداعی می‌نماید که فرد به خاطر اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم در مسیر ارتکاب جرم در قبال رفتار مجرمانه مسئول تلقی خواهد شد. اما به نظر می‌رسد رابطه‌ای که طبق آن فرد در برابر اعمالش مسئول تلقی خواهد شد، برخلاف آنچه گفته شد، رابطه استناد است نه رابطه سببیت؛ چراکه هر

۱. «لا یسأل شخص عن جريمة لم تكن نتيجة لسلوكه الإجرامي لكنه یسأل عن الجريمة ولو كان قد ساهم مع سلوكه الإجرامي في أحداثها سبب آخر سابق أو معاصر أو الحقولو كان یجهله.»

چند در قانون عراق به رابطه سببیت اشاره شده است، اما فردی که عامل قبلی یا بعدی و یا حتی فقط اثرگذار در مسیر ارتکاب جرم است ممکن است نه علت و نه سبب ارتکاب جرم باشد، بلکه صرفاً به خاطر اثرگذاری در مسیر ارتکاب جرم مسئول عمل مجرمانه تلقی می‌گردد. درعین حال بیان گردیده است رابطه سببیت برای تحقق مسئولیت ضروری است و عوامل قبلی یا بعدی اگر قاطع رابطه نباشند، تأثیری بر مسئولیت سبب تحقق نتیجه ندارد و این همان نظریه برابری اسباب است که کلیه عوامل دخیل را مسئول خسارت‌های به وجود آمده تلقی می‌کند (حامدعباس، ۲۰۲۵: ۶). درواقع از منظر عده‌ای در حقوق عراق کلیه عوامل مؤثر مسئولیت خواهند داشت و تقدم و تاخر زمانی آن‌ها اهمیتی نخواهد داشت، بنابراین هر چند به‌صراحت بیان نگردیده است؛ اما به نظر می‌رسد از منظر این گروه تفاوتی بین اسباب طولی و عرضی و همچنین میزان تأثیر اسباب نیست و کلیه اسباب به یک اندازه در قبال نتیجه مسئول خواهند بود. به نظر در کل می‌توان بین دو نظر جمع نمود و قائل به این شد که درنهایت عاملی مسئول است که بین رفتار او و نتیجه مجرمانه رابطه سببیت برقرار باشد، مشروط بر اینکه این فرد دارای شرایط مسئولیت کیفری باشد و الا اگر سبب اقوای از مباشر وجود داشت، دیگر رابطه سببیت ظاهری کنار گذاشته خواهد شد، چراکه قائلین به نظریه برابری اسباب به تحقق شرایط مسئولیت کیفری نیز توجه دارند (حامدعباس، ۲۰۲۵: ۱۰-۱۱)؛ بنابراین نمی‌توان به‌صرف رابطه مادی اکتفا نمود. در همین راستا نظریه علت مستقیم یا قوی‌تر که شامل عدم پاسخگویی مرتکب به نتیجه رفتار مجرمانه‌اش است، مگر اینکه مستقیماً با رفتار او مرتبط باشد و او عامل اصلی یا قوی‌تر این نتیجه باشد مطرح گردیده است، مطابق این نظر در صورتی که در زنجیره عوامل، عامل قوی‌تری وجود داشته باشد اوست که در قبال نتیجه رخ داده مسئول است و می‌توان گفت که جرم در نتیجه رفتار مرتکب اتفاق افتاده است و نه شخص دیگری (عبدالصاحب، ۲۰۲۵: ۱۰۰).

از طرفی ارتکاب جرم از طریق عامل دیگر و ایجاد مسئولیت برای عامل معنوی و وجود موادی چون ماده ۵۳۸^۱ و ۶۲۱^۲ (ق.م.ا.ت) ۱۳۷۵ که در آن‌ها عامل معنوی از طریق عامل مادی مسئول اقدام به ارتکاب جرم می‌کند، موجب ایجاد این سؤال می‌گردد که آیا برای پیدایش مسئولیت عامل معنوی، فرد باید فقط از طریق عامل

۱. «هر کس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تا یک سال یا به ۶۶۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

۲. «هر کس به‌قصد مطالبه وجه یا مال یا به‌قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند، در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج محکوم خواهد شد، در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد.»

فاقد مسئولیت جرم را انجام داده باشد یا اینکه اگر به مانند دو ماده مذکور فرد از طریق عامل مسئول هم اگر جرم را انجام داده باشد، باز تفاوتی نداشته و موجب استناد جرم به وی می‌گردد؟ سؤالی که بالاتر از سؤال مذکور به ذهن می‌رسد این است که برای پیدایش مسئولیت ارتکاب، نیاز به انجام رفتار مجرمانه هست یا اینکه امکان دارد فرد در قبال رفتار دیگری مسئول تلقی گردد؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد، در این صورت رابطه استناد معادل رابطه علیت یا سببیت نخواهد بود. به نظر می‌رسد با توجه به اولویت رکن روانی بر مادی در ماده ۵۲۶ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ و تصریح قانون‌گذار در چند ماده قانونی و به‌رغم عدم شناسایی این وضعیت در سراسر حقوق جزا، مانعی برای شناسایی رابطه استناد در فرضی که فرد جرم را از طریق دیگری ولو فاعل مسئول انجام می‌دهد، وجود نداشته و در این فرض هم فاعل مادی جرم مسئولیت داشته و هم فاعل معنوی جرم و جرم به هر دو نفر مستند خواهد بود. سوای این پیچ و گره قانونی در شناسایی عامل غیرمستقیم و استناد جرم به وی همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد به خاطر اینکه عامل روانی معمولاً ردپای مادی از خود به‌جا نگذاشته و رکن روانی ناملموس و ناپیدا است، معمولاً شناسایی فاعل معنوی و عامل غیرمستقیم ارتکاب جرم با سختی و صعوبت همراه هست و این عامل با استفاده از شیوه ارتکاب غیرمستقیم از مجازات عمل مجرمانه خواهد گریخت.

۲. علمی یا عرفی بودن رابطه استناد

از لحاظ ثبوتی رابطه استناد رابطه‌ای مادی و علمی است که متأثر از شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر عنصر مادی بوده و این رابطه می‌بایست، به‌صورت علمی و مستدل احراز گردد و نظر افرادی که این رابطه را عرفی پنداشته‌اند (مبین، ۱۳۹۰: ۹۸) صحیح نبوده و این عرف انگاری رابطه استناد (چه‌کندی، ۱۳۸۸: ۵۱) یکی از دلایل اختلافات موجود در احراز ضمان و توجه مسئولیت است. دلیل این ادعا این مطلب است که با توجه به تحول‌پذیری مسائل عرفی در ظروف مکان و زمان که خود ناشی از برداشت‌ها و ارتکازات ذهنی متفاوت حاکم بر فهم عرف است، عرف‌انگاری رابطه استناد باعث خواهد شد که در موضوعی واحد شاهد موضع‌گیری‌های متفاوتی باشیم (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۰)؛ درحالی‌که اگر احراز این رابطه علمی باشد این تشکیک آرا به وجود نیامده و تقریباً در اکثر موارد نظری واحد که قاطع دعوی نیز است، وجود خواهد داشت. از طرف دیگر می‌توان ادعا نمود اگر ملاک در عرفی انگاری رابطه استناد، توسل به عرف عقلا باشد، این عرف در عمل نتیجه متفاوتی از نظر کارشناسان نمی‌گیرد و آنجایی که تشکیک آرا از نظر عرف حاصل می‌شود، محصول جایی است که عرف، عرف عوام است که برگرفته از سلاقی و علایق گوناگون است که با کشش احساسات هر بار به سمتی قلیان پیدا می‌نماید.

قانون مجازات (عقوبات) عراقی، ماده‌ای خاص را برای نقش عرف در اثبات رابطه سببیت در قتل تقنین نکرده است، اما بنابر قاعده عام حقوق کیفری قاضی می‌تواند از عرف برای احراز رابطه سببیت در قتل استفاده کند؛ زیرا همان‌طور قبلاً اشاره کردیم در اموری کیفری قاضی می‌تواند از هر وسیله مشروع برای کشف جرم استفاده کند، پس عرف نیز یکی از وسایل مشروع است، هم برای تقنین که قانون‌گذار از آن استفاده می‌کند و هم برای کشف جرم و شناسایی شخص مرتکب که قاضی می‌تواند به عرف اکتفا کند (حمدامین ابراهیم، ۱۳۹۹: ۳۲-۳۳). از آنجاکه امر تشخیص وجود رابطه سببیت به مرجع قضایی سپرده شده است و این مرجع می‌تواند از عرف به‌عنوان یک ملاک تشخیص استفاده نماید (ثروت، ۱۹۹۴: ۱۵۹)، بنابراین در رویه قضایی کشور عراق عرف به‌عنوان ابزار احراز رابطه استناد مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما از آنجاکه نظر کارشناس نیز به‌عنوان یک مبنای پذیرفته شده در احراز رابطه استناد محسوب می‌شود (حمدامین ابراهیم، ۱۳۹۹: ۲۸)، به نظر مراد از عرف همان عرف عقلا است که با نظر کارشناس به نقطه واحد می‌رسند.

۳. رابطه استناد و مسئولیت کیفری

در تحمیل مسئولیت کیفری بر مرتکبین جرائم آنچه اهمیت دارد، احراز رابطه استناد است؛ زیرا تا زمانی که نتیجه مجرمانه را نتوان به مرتکب مستند نمود حرف از مسئولیت او امری بیهوده است. هر چند ادعا گردیده است «شرط لازم و مقدمه توجه مسئولیت تکلیفی یا وضعی به مرتکب، احراز رابطه استناد است، زیرا منطقی و موجه نیست که فردی را بدون اینکه مرتکب فعل منع شده‌ای شده باشد و صرفاً به دلیل داشتن قصد ارتکاب فعل، متحمل مسئولیت وضعی یا تکلیفی دانست. به عبارت دیگر، تحمیل مسئولیت وضعی و تکلیفی ملازمه دارد با احراز رابطه استناد و احراز رابطه استناد شرط لازم و کافی برای توجه مسئولیت وضعی و شرط لازم و نه کافی برای توجه مسئولیت تکلیفی بر مرتکب است و از این لحاظ ناکافی است که عوامل دیگری که مرتبط با عنصر معنوی هستند، مانند قصد و اراده نیز در آن دخیل باشند. لذا فرد نائم، مکره و مضطر هر چند فاقد قصد و اراده است، ولی در قبال افعال اضرائی که در خواب و اضطراب و اکراه انجام داده است، دارای مسئولیت وضعی بوده و موظف به جبران است.

احراز رابطه استناد فصل لازم‌الاثبات و مشترک در تحمیل مسئولیت، اعم از وضعی، تکلیفی، کیفری یا مدنی شناخته می‌شود. لذا لازم است که مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد.» (صادقی و میرزایی، ۱۳۹۸: ۱۶۹)؛ اما این باور به خلط دو مفهوم استناد و علیت برمی‌گردد کما اینکه در حقوق عراق وجود رابطه

استناد معادل مسئولیت کیفری قلمداد گردیده است (السباعی، ۲۰۱۵: ۵۹) و برای تحقق مسئولیت در جرائم مختلف وجود رابطه استناد بین فعل و نتیجه کافی دانسته شده است (الدره، ۲۰۰۹: ۱۸۸). در رابطه علیت رفتار مرتکب منجر به نتیجه مجرمانه گردیده است؛ اما در رابطه استناد به دنبال این هستیم که ورائ مرتکب ظاهری شخص مسئول اصلی را پیدا کنیم، به همین خاطر هم هست که در سبب اقوای از مباشر با مرتکب مادی کاری نداشته و سبب پشت پرده را مجازات می‌کنیم یا در فاعل معنوی عامل غیرمستقیم را در کنار عامل مستقیم مجازات می‌نماییم و جرم را مستند به هر دو نفر می‌دانیم. به نظر ماده ۵۲۶ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ هم قائل به همین معنا است، جایی که ملاک را تأثیر قرار داده و سوای رابطه علیت دنبال عامل مؤثر می‌گردد و جرم را بدون توجه به رابطه علیت مستند به عاملی می‌داند که تأثیرگذار در ارتکاب جرم بوده است و در جایی که چند عامل در ارتکاب جرم مؤثر هستند، مسئولیت را به نسبت تأثیر، تقسیم می‌گرداند و به خوبی از انتهای ماده، جایی که عامل غیرمستقیم مؤثر وجود دارد، جرم را مستند به وی و نه عاملی که رفتار او علت ارتکاب جرم بوده است می‌داند.

مشخص است که رابطه علیت هرچند در بسیاری از موارد با رابطه استناد هم‌راستا است؛ اما دو رابطه یکسان نیستند و برای تحقق مسئولیت کیفری نیاز به رابطه استناد است. قانون مجازات (عقوبات) عراقی در بند ۱ ماده ۲۹ به نظریه تعادل اسباب تکیه دارد، این‌طور اشعار داشته که همه عوامل در وقوع نتیجه حاصله یکسان هستند، خواه بعضی از آن‌ها در برابر بعضی دیگر بیشتر تأثیر داشته باشند خواه کمتر، مهم این است که نتیجه حاصله منتسب به همه عوامل باشد (عبدالحمید، ۱۹۷۵: ۱۲۱). اما در بند دو ماده مزبور،^۱ آن قاعده‌ای را که در بند یک آمده است را تحدید می‌کند، به‌طوری‌که اشعار می‌دارد که چنانچه رفتاری به‌تنهایی جهت وقوع نتیجه حاصله کافی باشد، در این حالت فقط آن رفتار مسئول نتیجه حاصله (مرگ مجنی‌علیه) است و عوامل دیگر فقط در مورد رفتارهای خودشان مسئول هستند (عبدالحمید، ۱۹۷۵: ۱۲۲). به عبارت دیگر، در این بند صرفاً به عاملی اشاره دارد که برای وقوع نتیجه کافی است و همان عامل را مسئول مرگ قلمداد می‌کند، ولی میزان تأثیر و چگونگی رفتار دیگر عوامل را از نظر دور داشته است. این خود احراز رابطه سببیت را مبهم می‌کند و باعث تشدد آراء از سوی قضات در صدور حکمی می‌شود که منوط به تشخیص و احراز رابطه سببیت در قتل است (الدره، ۲۰۱۰: ۲۱۱).

۱. «ما إذا كان ذلك السبب وحده كافياً لحدوث نتيجة جرمية فال بسأل الفاعل في هذه الحالة إل عن الفعل الذي ارتكبه.»

بنابراین همان طور که مشاهده می شود قانون مجازات عراق نه تنها به تفکیک رابطه علیت و سببیت و استناد نپرداخته است، بلکه در بیان حالات مختلف اجتماع اسباب نیز نارسا و ناگویاست و تشخیص عامل مسئول را با دشواری های متعدد روبه رو می گرداند. اما در میان حقوق دانان عراقی نظریه برابری اسباب مؤثر در وقوع نتیجه طرفدار دارد (حامدعباس، ۲۰۲۵: ۴)؛ یعنی موضعی مخالف قانون گذار در ماده ۵۲۶ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ که نظریه میزان تأثیر را پذیرفته است.

۱-۳. رابطه استناد و ارکان جرائم

به طور کلی می توان گفت برای انتساب جرم و توجه ضمان لازم است که رابطه استناد احراز گردد، ولی باید در نظر داشت که احراز رابطه سببیت در مفهوم خاص و استناد در مفهوم عام (آقایی نیا، ۱۳۹۲: ۶۱) آن از مشکل ترین مباحث حقوقی است. عده ای این دو مفهوم را یکی انگاشته اند (منصورآبادی، ۱۳۹۴: ۳۰۹؛ امینی و عنایت تبار، ۱۳۹۷: ۷). احراز رابطه استناد و ملازمه واقعی و حقیقی، بین عمل مجرمانه و نتایج آن، از موارد مهم اثبات جرم است که باید قبل از هر چیز درباره هر متهمی بررسی شود (Martin, 2000: 68). بر همین اساس است که از فعل عدوانی و نتیجه مجرمانه به عنوان ارکان رابطه استناد یاد می شود؛ لذا احراز مسئولیت، متوقف بر اثبات استناد جنایت به فعل مرتکب بوده و در مواردی که استناد واقعی موضوع مسلم نیست و در وجود آن تردیدی حاصل شود اصل بر عدم خواهد بود و باید نتیجه مستند به فعل بزه کار باشد (صادقی، ۱۳۹۵: ۲۱۱). ماده ۴۹۲ (ق.م.ا) ۹۲ ضمن تأکید بر این مطلب، در خصوص لزوم احراز رابطه استناد در مباشرت یا تسبیب بیان می دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از اینکه به نحو مباشرت یا تسبیب یا به اجتماع آن ها باشد». حال سؤال این است که ماهیت رابطه استناد چیست و با کدام رکن جرائم و معاصی مرتبط می شود؟

این رابطه با رکن قانونی و تشریع عمل مجرمانه مرتبط نمی شود؛ زیرا در رکن قانونی بحث از نامشروع بودن و غیرقانونی بودن فعل است که توسط شرع یا قانون اعتبار شده است و ملازمه ای بین رابطه استناد و عنصر قانونی مشاهده نمی شود. چه بسا ممکن است در مواردی عنصر قانونی موجود و رابطه استناد مفقود باشد و بالعکس رابطه استناد موجود و عنصر قانونی جرم مفقود باشد، مانند حالت شروع به جرم که به دلیل عدم وقوع نتیجه، رابطه استناد مفقود ولی شروع به فعل نامشروع وجود دارد یا حالت دفاع مشروع که رابطه استناد بین فعل دفاعی و نتیجه وجود دارد، ولی رکن قانونی جرم وجود ندارد. البته شاید صحیح باشد در اینجا بیان داشت که رابطه استناد بین

عمل و مرتکب آن وجود دارد و رابطه استناد در دو جا معنا پیدا می‌کند. یکی بین مرتکب و عمل مجرمانه و دیگری بین عمل و نتیجه مجرمانه که در هردو نیاز به احراز رابطه وجود دارد. البته می‌توان سخن از حالت سومی زد که در آن بین قصد فرد و تأثیرگذاری معنوی او و عمل مجرمانه رابطه استناد وجود داشته باشد که بین اثرگذاری فرد و مسئولیت کیفری ناشی از جرم رابطه وجود دارد و به خاطر اثرگذاری مسئولیت کیفری ناشی از جرم به فرد تحمیل می‌شود یا حتی در مواردی مسئولیت کیفری ناشی از جرم مستند به فردی می‌شود که یا نقش مادی در ارتکاب جرم نداشته یا این تأثیرگذاری در فرآیند ارتکاب جرم کم‌رنگ بوده است. اما ادعا گردیده رابطه استناد به رکن معنوی جرم نیز مستند نیست؛ زیرا رکن معنوی رابطه‌ای نفسانی میان مادیات جرم و شخصیت جانی است که به دو صورت عمد و خطا متجلی می‌گردد. رکن معنوی جرم، طبیعتی نفسانی دارد؛ یعنی ماهیتش غیرمادی است (حسنی، ۱۳۸۶: ۸۷). پس رابطه استناد با توجه به اختلاف ماهیتی موجود در دامنه این رکن جای نمی‌گیرد. گستردگی دامنه اختلاف میان رابطه استناد و رکن معنوی باعث استقلال این دو مفهوم از یکدیگر می‌گردد؛ زیرا چه‌بسا یکی موجود و دیگری منتفی باشد؛ مثلاً در شروع به جرم، قصد که در رکن معنوی جای دارد موجود است، ولی رابطه استناد به دلیل عدم وجود نتیجه منتفی است و یا در حالت‌های خطایی و وجود تقصیرهای جزایی، رابطه استناد موجود ولی قصد و رکن معنوی موجود نیست؛ لذا نمی‌توان رابطه استناد را در رکن معنوی جرم جای داد. ولی برای تحقق مسئولیت کیفری نیاز به قصد معتبر است و اگر فردی مرتکب جرمی شود، درحالی‌که قصد معتبر نداشته است و از طرفی کاشف به عمل بیاید شخص دیگری از این فرد سوءاستفاده نموده و او را به سمت ارتکاب جرم هدایت کرده است، مسئولیت کیفری متوجه این عامل معنوی شده و جرم به وی مستند است. بنابراین در این زمینه حداقل دو دیدگاه وجود دارد، مطابق دیدگاه اول جایگاه رابطه استناد در رکن مادی جرائم و معاصی است و مطابق دیدگاه دوم این رابطه در رکن روانی یا معنوی معنا پیدا می‌کند، در ادامه هر یک از این دو دیدگاه به تفصیل موضوع بحث قرار می‌گیرند.

۳-۲. رابطه استناد و رکن مادی

عده‌ای عقیده دارند، رابطه استناد در رکن مادی جرم ریشه دارد (رستمی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۴) و از آن تعبیر به فعل مادی محض شده است (توکلیان، ۱۳۹۶: ۲۹) که نباید در احراز آن و تشخیص عامل مسئول سراغ قصد افراد رفت (صادقی، ۱۳۹۳: ۲۰)، خواه ارتکاب رفتار در قالب فعل باشد یا ترک فعل (نمور، ۲۰۰۸: ۲۰۰۸).

۲۵). به موجب ماده ۲۸ قانون عقوبات عراق ترک فعل رفتار مجرمانه تلقی می‌گردد^۱ و اگر رابطه سببیت بین ترک فعل و نتیجه حاصله وجود داشته باشد، تارک فعل در قبال جرم ارتكابی مسئول خواهد بود. دلیل مادی بودن رابطه استناد این مطلب است که اولاً رابطه استناد، مبین پیوند علی و سببی بین دو پدیده مادی یعنی رفتار و نتیجه است، فلذا به ناچار بایستی این رابطه نیز دارای طبیعتی مادی بوده به صورت علمی و مستدل احراز گردد (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). مبنای رابطه استناد مجموعه آثار مادی است که مستقیماً از فعل سرچشمه می‌گیرد و مستمراً دگرگون شده تا در نهایت به صورت نتیجه مجرمانه جلوه‌گر می‌شود؛ این بدان معناست که رابطه استناد، طبیعتی مادی داشته و اقتضا دارد، بنابر مبنای فعلی و نتیجه محسوس مادی، خود نیز در رکن مادی جای داشته باشد.

رابطه استناد رابطه‌ای مادی و علمی است که متأثر از شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر عنصر مادی بوده، به علاوه عدم تأثیر قصد در ضمان، منتج به عدم تأثیر قصد بر لازمه ضمان که همان رابطه استناد است خواهد بود؛ زیرا همانا لزوم وجود رابطه استناد، مثبت ضمان بوده و عدم تأثیر قصد بر این رابطه، به نوعی مؤید واقعی بودن رابطه استناد نیز خواهد بود.^۲ در حقوق کشور عراق نیز این عقیده وجود دارد که رابطه استناد رابطه‌ای مادی است و بدون استناد مادی مسئولیتی برای عمل ارتكابی وجود ندارد. برای مسئول دانستن مرتکب برای نتیجه مجرمانه، یک انتساب مادی لازم است که رفتار مرتکب را به نتیجه مجرمانه مرتبط کند. هیچ مسئولیتی بدون انتساب مادی وجود ندارد، زیرا خداوند متعال نفسی را جز نسبت به آنچه به دست آورده است، حساب نمی‌کند (عبدالصاحب، ۲۰۲۵: ۹۹). برای اینکه بتوان شخصی را به ازای رفتاری مسئول بدانیم باید رابطه استناد بین رفتار وی و نتیجه مجرمانه احراز گردد (فروغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۲). این رابطه، رابطه‌ای علمی و مادی است که متأثر از شرایط

۱. «الركن المادي للجريمة سلوك إجرامي بارتكاب فعل جرمه القانون او الامتناع عن فعل أمر به القانون»

۲. «سؤال: معيار ضمان در باب قتل و جرح و تلف اموال چیست؟

آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: «برای ثبوت و اجرای حکم قاتل، جراح، تلف نسبت به فردی، استناد حقیقی قتل، جرح و اتلاف به او لازم است اگرچه کافی نیست و احياناً ممکن است شرایط دیگری هم لازم باشد.»

سؤال: شخصی به قصد رسیدن به ثواب و کمک به دیگران، دست پیرمردی را می‌گیرد که او را از جوی آبی عبور دهد، ولی بدون آن‌که تفریطی از سوی کمک کننده صورت گرفته باشد، تصادفاً انگشت پیرمرد در می‌رود، با فرض اینکه اگر شخص مزبور به پیرمرد کمک هم نمی‌کرد، خود او به سختی قادر به عبور از جوی آب بود، بفرمایید: آیا کمک کننده ضامن ديه در رفتگی انگشت است؟

آیت‌الله العظمی صافی: مجرد گرفتن دست پیرمرد و عبور دادن او موجب ضمان نیست اگر واقعاً علت در رفتگی مستند به کمک کننده باشد، مثلاً دست او را فشار داده یا انگشت او را گرفته که گرفتن انگشت در این گونه موارد برخلاف متعارف است و مانند این‌ها ضامن است. «(نرم افزار گنجینه استفتانات، ۱۳۹۰).

حاکم بر رکن مادی است، اما برخی معتقد هستند، عرف بین رفتار متهم و نتیجه مجرمانه رابطه علیت برقرار می‌گرداند، هرچند نتوان از لحاظ مادی بین رفتار و نتیجه رابطه علیت برقرار نمود (شاکری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۷). در میان فقها نیز برخی به صراحت به جایگاه عرف در استناد جرم به رفتار مرتکب تأکید داشته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۹۶). طبق این نظرات، اگر عرف بین اقدام انجام شده و نتیجه، رابطه علیت برقرار کند، به نحوی که بتوان بدان استناد نمود، مرتکب از منظر حقوق کیفری مسئولیت دارد (الهی‌منش و دیگران، ۱۳۹۲). قانون‌گذار در ماده ۴۹۲ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ وجود رابطه استناد بین رفتار صورت گرفته و جرم ارتكابی را ضروری می‌داند و باید جرم به فردی مستند باشد تا بتوان وی را از جنبه جزایی مسئول دانست و از طرفی مسئولیت مدنی را نیز بر او بار نمود.

۳-۳. رابطه استناد و رکن معنوی جرائم

اینکه رابطه استناد دقیقاً به همان معنای رابطه علیت یا سببیت است امری مورد اختلاف است، از یک طرف قانون‌گذار در ماده ۴۹۲ بیان می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که جنایت حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از اینکه به نحو مباشرت یا تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود.» یعنی برای استناد یک جنایت (که البته به حکم ماده ۴۹۳ رابطه استناد در تمام جرائم نیاز به وجود و اثبات دارد) حتماً فرد باید نقش‌آفرینی در قالب مباشر یا سبب در ارتکاب جرم داشته باشد و این بدان معناست که فرد یا مستقیم یا غیرمستقیم رفتار مجرمانه را به انجام رسانده باشد و الا استناد جرم به او بی‌معنا خواهد بود.

از طرفی قانون‌گذار در ماده ۵۲۶ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ که می‌خواهد عامل مسئول را تعیین کند، باز بر ارتکاب جرم به طریق مباشرت یا تسبیب تأکید می‌کند و در انتهای ماده مذکور در فرض سبب اقوای از مباشر، مصادیقی را در نظر می‌گیرد که فرد بدون اینکه جرم را انجام داده باشد، به خاطر ارتکاب جرم از طریق عامل فاقد مسئولیت، مسئول شناخته می‌شود و این حداقل به این معناست که جرم از لحاظ مادی مستند به یک عامل و از لحاظ معنوی مستند به عامل دیگر است. به بیان دیگر هرچند رابطه علیت بین رفتار یک عامل و ارتکاب جرم وجود دارد، اما این به معنای وجود رابطه استناد بین رفتار او و جرم ارتكابی نیست و جرم مستند به عاملی است که دارای رکن روانی هست و رکن مادی را از عامل فاقد مسئولیت وام می‌گیرد و این به معنای رجحان رکن روانی بر رکن مادی از منظر قانون‌گذار نیز تلقی می‌شود. مسئولیت آمر در قوانین جدید کشورهای عربی همانند قوانین کشورهای غربی به نحوی است که به‌وضوح از مسئولیت ولی و سایر محافظان متمایز است. آمر درواقع نمی‌تواند با اثبات عدم تقصیر

خود را از مسئولیت معاف سازد. این راه حل از سوی قوانین مصر، سوریه، لیبی، تونس، مراکش و همچنین قانون کویت پذیرفته شده است (غلامی، ۱۴۰۴). تنها قانون عراق (بند ۲ ماده ۲۱۹)^۱ آمر را از مسئولیت معاف می‌داند اگر اثبات کند که وی کلیه احتیاطات لازم را برای پیشگیری از ورود خسارت انجام داده است یا اینکه اثبات کند که حتی اتخاذ کلیه تدابیر احتیاطی نیز مانع از ایجاد خسارت نمی‌شود. این مقرر گویای آن است که اصل بر مسئولیت آمر است و وی در صورتی از مسئولیت مبرا می‌شود که اثبات کند هیچ نوع بی احتیاطی نداشته است، فلذا مقصر محسوب نمی‌شود، در غیر این صورت آمر مسئولیت خواهد داشت که این گویای این مطلب است که در قانون مدنی عراق نیز رابطه استناد به رسمیت شناخته شده است و آمر هر چند مرتکب فعل زیان بار نیست، اما مسئولیت ناشی از خسارت بر عهده وی است.

به نظر قرار دادن رابطه استناد در رکن مادی ناشی از خلط حکم تکلیفی و وضعی است، شاید در صدور حکم وضعی و تعیین عامل مسئول، دیدگاه مادی صرف جواب دهد و بتوان رابطه استناد را تنها در رکن مادی جرم جست و جو نمود، اما در صدور حکم تکلیفی و تشخیص عامل مسئول، به نظر این رکن روانی است که جایگاه تعیین کننده دارد. این مهم از انتهای ماده ۵۲۶ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ نیز قابل برداشت که هر چند رکن مادی جرم را شخص دیگری انجام داده است، اما جرم مستند به عاملی است که صاحب رکن روانی است، البته در اینجا شخص مسئول از حیث حکم وضعی نیز مسئول شناخته می‌شود و ضامن است، یعنی درواقع ملاک تعیین کننده شخص مسئول و استناد جرم به وی، رکن روانی است و این رکن هست که در نهایت حکم تکلیفی و وضعی موضوع را تعیین می‌نماید. بنابراین، شاید افرادی که رابطه استناد را تنها در رکن مادی جست و جو می‌کنند، دچار خلط مفهومی شده و رابطه استناد را با رابطه علیت اشتباه گرفته‌اند؛ زیرا مطابق رابطه علیت که در جای خود بدان پرداخته می‌شود، باید بین عمل و نتیجه رابطه علّی و معلولی برقرار باشد، به نحوی که اگر عمل نبود نتیجه مجرمانه نیز واقع نمی‌شد.

مطابق این تعریف رابطه علیت را فقط باید در رکن مادی جرم بررسی نمود و دید که چه کسی رفتار مجرمانه منتهی به نتیجه را انجام داده و همو را علت یا سبب جرم دانست، اما آیا این پایان کار است و هر شخصی که مرتکب جرم شده باشد، همو در قبال رفتار مجرمانه نیز مسئولیت خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد که این چنین نباشد و برای بار کردن مسئولیت کیفری بر مرتکب صرف وجود رابطه علیت کافی نیست و علاوه بر آن طبق ماده

۱. «و یستطیع المخدم ان یتخلص من المسؤولية اذا اثبت انه بذل ما ینبغي من العناية لمنع وقوع الضرر او ان الضرر کان لا بد واقعاً حتی لو بذل هذه العناية.»

۴۹۲ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ باید رابطه استناد نیز وجود داشته باشد و ملاک در رابطه استناد طبق ماده ۵۲۶ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ تأثیرگذاری و میزان آن است (شکری، ۱۳۹۵: ۹۹۹) و از این حیث بین سبب و مباشر نیز تفاوتی وجود ندارد (ایزدی، ۱۳۹۵: ۱۲۰) و حتی در زنجیره اسباب هم هر چند عده‌ای مخالفت نموده‌اند (اصلانی، ۱۳۷۹: ۱۳۰). می‌توان به این ملاک تمسک جست که در فقه نیز رد نشده است و چه‌بسا مورد تأیید نیز قرار گرفته است. (علیدوست و بای، ۱۳۹۱: ۴۸؛ حیدری، ۱۳۸۷: ۴۵) و در همین راستا و در مقام تفکیک این معیار از رابطه علیت قانون‌گذار در انتهای ماده ۵۲۶ ق.م.ا ۱۳۹۲ به مصادیقی اشاره می‌کند که در آن‌ها رابطه علیت بین رفتار فردی و نتیجه مجرمانه وجود دارد، اما رابطه استناد بین رفتار وی و عمل مجرمانه و در نتیجه مسئولیت کیفری وجود ندارد و این افراد مسئولیتی نداشته و مسئولیت متوجه عامل غیر مستقیمی است که به جای اینکه بین رفتار وی و نتیجه مجرمانه رابطه علیت برقرار باشد، رابطه استناد برقرار است. بنابراین نتیجه منطقی این بحث این است که معیار و ملاک مسئولیت کیفری رابطه علیت نبوده و رابطه استناد است. به عبارتی رابطه علیت نه شرط لازم و نه شرط کافی در تحقق مسئولیت کیفری است، مگر اینکه با دیدی موسّع به تحقق رابطه علیت بین رکن روانی و تأثیرگذاری غیر مستقیم افراد و ارتکاب جرم حکم دهیم. وگرنه به حکم ماده ۵۲۶ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ و موادی خاص چون ماده ۶۲۱، ۵۳۰، ۵۳۸^۱، ۶۳۳، ۶۴۰^۲، ۶۷۲^۳ (ق.ت) ۱۳۷۵ ملاک در تعیین مسئولیت کیفری افراد همانا رابطه استناد بین رفتار فرد و نتیجه مجرمانه است.

۱. ماده ۵۳۰: «هر کس مهر یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارتخانه‌های مذکور در مواد قبل را بدون مجوز به دست آورد و به طریقی که به حقوق و منافع آن‌ها ضرر وارد آورد، استعمال کند یا سبب استعمال آن گردد، علاوه بر جبران خسارت وارده به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.»

۲. ماده ۶۳۳: «هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نیست، در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از ۸۲۵۰۰۰۰ تا ۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا آرش نیز محکوم خواهد شد.»

۳. ماده ۶۴۰: «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از ۸۲۵۰۰۰۰ تا ۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد:

۱ - هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علانم، فیلم، نوار سینما و یا به‌طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد.

۲ - هر کس اشیاء مذکور را به‌منظور اهداف فوق شخصاً یا به‌وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آن‌ها تحصیل مال نماید.»

۴. ماده ۶۷۲: «هرگاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از ۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۸۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم می‌گردد.»

۴. رابطه استناد و عامل روانی در فقه

اثبات استناد نتیجه زیان‌بار به فعل جانی بر عهده شاکی بوده و به این منظور کافی است امکان حصول علم عادی به وجود رابطه استناد در مرگ مجنی‌علیه فراهم گردد (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۵) در کلام عده‌ای از فقها رابطه استناد معادل رابطه سببیت است و با احراز رابطه آن، شخص را در قبال جرم ارتكابی مسئول دانسته‌اند؛ به‌عنوان مثال آیت‌الله بهجت در پاسخ به استفتائی در خصوص استناد قتل به پزشک در صورت کوتاهی در درمان فرموده‌اند: «اگر پزشک حاضر باشد، حفظ نفوس بر وی واجب است، ولو با اجرت. بنابراین او نیز دخیل و مؤثر در قتل است و ضارب به همراه پزشک، هر دو شریک در قتل هستند، چه قتل از هر دو عمدی باشد یا خطایی یا مختلف» (بهجت، ۱۴۲۸: ۴۹۶). در حقوق عراق نیز زمانی که فرد زخم جزئی غیرکشنده برمی‌دارد و بر اثر سهل‌انگاری پزشک جان خود را از دست می‌دهد، حکم به مسئولیت مشترک جراح و پزشک داده شده است (عبید، ۱۹۸۵: ۲۳). همچنین نظر برخی از فقها مبنی بر مسئولیت جراح مؤید این مطلب است که در صورت عدم وجود مانع و یا عامل قاطعی در مسیر جریان رابطه استناد، عامل جراح ضامن است؛ زیرا جراحت وارده توسط وی، مقتضی فوت خواهد بود (شهید ثانی، ۱۳۷۴: ۱۹۴-۱۹۵). بنابراین مجرم اصیل زمانی مستحق قصاص می‌گردد که عمل او سبب اصلی و مستقیم فوت مجنی‌علیه به شمار آید. این موضوع در یکی از آرای دیوان عالی کشور مصر این‌چنین آمده است: «تا زمانی که سبب اصلی مرگ آسیبی است که جانی وارد نموده است، این جانی مسئول اصلی مرگ است» (نجیب حسنی، ۱۳۸۶: ۳۳۶).

در حقیقت نقش رابطه استناد یا به قولی سببیت (مبین، ۱۳۹۰: ۹۷)، همان تفسیر حصول نتیجه با اسناد آن به فعل و ایجاد مسئولیت حدوث نتیجه برای مرتکب آن (نجیب حسنی، ۱۳۸۶: ۷۱) در فرضی است که مرتکب را بتوان مسئول تلقی نمود. به نظر می‌رسد فقها مسئولیت شخص در صورت وجود رابطه سببیت را در صورتی قطعی می‌دانند که وی عامد یا مقصر باشد، در غیر این صورت وی مسئولیت کیفری نخواهد داشت. یعنی منظور فقها از یکسان گرفتن دو رابطه ناشی از مفروض قلمداد کردن شرایط مسئولیت کیفری در مرتکب است، و الا به‌صرف وجود رابطه سببیت فرد را در قبال جرم ارتكابی مسئول قلمداد نمی‌کنند. فقها نیز ضمن تصریح بر این مهم بیان می‌دارند که قصد سبب با علم به سببیت آن درواقع قصد مسبب است (خوانساری، بی‌تا، ج ۶: ۱۶۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۵۰۱).

در حقوق عراق نیز موضع مشابهی وجود دارد، در جایی که اثبات جنایت بر یک شخص و نسبت دادن آن به رفتاری است که متهم دانسته و خواسته انجام دهد (عبدالمالک، ۱۹۳۲: ۶۹۶) که مطابق این دیدگاه عامل مادی در صورتی مسئولیت خواهد داشت که قصد لازم را نیز داشته باشد و اگر مرتکب مادی شرایط مسئولیت کیفری را نداشته باشد و درعین حال سبب اقوایی وجود داشته باشد که موتور محرک عمل مجرمانه باشد، اوست که مسئول عمل مجرمانه است. به هر روی هر چند از منظر قانونی، استناد جرم به عامل معنوی در تمامی فروض دشوار است و این دشواری با مشقت اثبات در مرحله دادرسی نیز همراه هست، اما می‌توان ادعا نمود قانون‌گذار اصل فرض استناد جرم به دو عامل مسئول به صورت هم‌زمان را که یکی رکن مادی جرم را انجام داده و دیگری صاحب رکن روانی است را پذیرفته و همچنین در فرضی که فاعل جرم فاقد اهلیت و قصد معتبر است و عامل معنوی از وی سوءاستفاده نموده است، جرم مستند به عامل معنوی می‌شود. در این میان عده‌ای با نظر به مفاهیم فقهی از نقش فاعل معنوی اعلام استغناء نموده‌اند و نظر بر این داشته‌اند که مفهوم سبب اقوای از مباشر دربردارنده دو حالت است، یکی حالتی که در آن بر اثر نقش سبب یا همان فرد دارای رفتار غیرمستقیم مباشر جرم یا عامل مستقیم دیگر مسئولیتی نداشته و تمام مسئولیت متوجه سبب بوده و اوست که به سبب ارتکاب جرم با مجازات روبه‌رو خواهد شد و حالت دیگر حالتی است که هم عامل غیرمستقیم و هم عامل مستقیم به سبب ارتکاب جرم مجازات می‌گردند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۸) که البته باید در مقام مثال، حالتی را متذکر شد که مجازات عامل غیرمستقیم بیش از عامل مستقیم باشد یا حداقل مجازات مباشر و سبب به یک اندازه تا مفهوم سبب اقوای از مباشر از لحاظ مفهومی با اشکال مواجه نگردد.

اگر مجازات مباشر بیش از سبب باشد، شاید بیشتر با دو نقش معاون و مباشر جرم روبه‌رو باشیم و اینکه عده‌ای مصادیقی مثل آمر در قتل یا اکراه در قتل یا ممسک را مصداق سبب اقوا از مباشر ذکر نموده‌اند، صحیح نیست، چراکه در تمامی این موارد مباشر جرم نقش پررنگ‌تری تا عامل غیرمستقیم داشته و به نظر می‌رسد که در تمامی موارد یاد شده فقها قتل را مستند به مباشر می‌دانند و برای عامل غیرمستقیم مجازات قصاص را جز در حالتی که مباشر جرم از بعضی عوامل مانع مسئولیت کیفری همچون قرار داشتن در دوره عدم تمیز یا حالت جنون یا جهل بر خوردار باشد، منتفی می‌دانند؛ لذا باید به دنبال مصادیقی بود که در آن‌ها نقش عامل غیرمستقیم و به تبع آن مسئولیت وی در نتیجه ارتکاب جنایت بیش از عامل مستقیم باشد. برخی معتقدند در فرضی که رابطه عبد و مولی برقرار است و مولی امر به قتل می‌کند، باز با حالت سبب اقوی از مباشر روبه‌رو هستیم (حاجی

ده‌آبادی، ۱۳۹۸: ۱۱۳) و سبب اقوی گاهی موجب سلب مسئولیت مباشر می‌شود و گاهی اوقات خیر و هم سبب و هم مباشر مسئولیت دارند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۸) و مثال عبد و مولی مصداق این حالت دوم است که در این شاهد مثال مولی، قصاص و عبد به حبس ابد محکوم می‌شود که این نظر با ظاهر عنوان سبب اقوی سازگار است و می‌توان گفت در مثال عبد و مولی نیز با سبب اقوی روبه‌رو هستیم، چراکه مولی که آمر است، سبب بوده و قوی‌تر از مباشر است و به همین نسبت، با مجازات بیشتری نیز مواجه می‌گردد، هر چند این دیدگاه مخالف نظر مشهور فقها است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۳). اما این ادعا با دو مشکل مواجه هست: یکی اینکه در فقه پشتوانه محکمی ندارد، نه اینکه قابل رد باشد و چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در فقه و البته در ادامه در قانون، مصادیق «سبب اقوی از مباشر» حالاتی را تشکیل می‌دهند که در آن‌ها مسئولیت سبب به معنای سلب مسئولیت از مباشر است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۸).

اشکال دیگری که به آن برخورد می‌کنیم جایی است که مصادیقی پیدا شود که در آن‌ها جرم هم به سبب و هم به مباشر منتسب باشد که در این حالات دیگر راه چاره‌ای جز پذیرش فاعل معنوی وجود ندارد، چراکه در این حالات فقط بحث مجازات و سبک سنگین کردن آن نیست که محملی برای نظر اخیر به وجود بیاید؛ بلکه در این حالات، با انتساب جرم به دو عامل مستقیم و غیرمستقیم روبه‌رو هستیم که این، دیگر با حالت «سبب اقوی از مباشر» قابل توجیه نیست؛ چراکه این حالت برای فرضی است که در بین عوامل مختلف، بخواهیم عامل مسئول را تشخیص دهیم. اما وقتی جرم به هر دو عامل منتسب و هر دو به یک میزان مسئول تلقی شوند، دیگر طرح عنوان «سبب اقوی از مباشر» بی‌معنا بوده و باید به شق ثالثی تحت عنوان «فاعل معنوی» قائل شویم. شناسایی فاعل معنوی در حقوق ایران در حالی است که قانون عقوبات عراق، حتی ماده‌ای را به بحث تسبیب اختصاص نداده است (حمدامین ابراهیم، ۱۳۹۹: ۲۱). این در حالی است که قانون‌گذار ایران از ماده ۵۰۶ (ق.م.ا) ۱۳۹۲ که بحث تسبیب آغاز می‌شود تا ماده ۵۳۷ به بررسی شقوق تسبیب می‌پردازد. به نظر می‌رسد فاعل معنوی مفهومی ناشناخته در حقوق عراق باشد، چراکه زمانی که بحث به عوامل مسئول در جنایت می‌رسد یعنی اشخاصی که جنایت به آن‌ها مستند است، وجود رابطه علیت بین رفتار و نتیجه لازم دانسته شده است (ترکی، ۲۰۱۶: ۱۳۴) و در صورت قطع این رابطه مسئولیت فرد نیز منتفی است (السباعی، ۱۹۹۹: ۱۰۶؛ السعدی، ۱۹۸۹: ۱۱۴). حقوق‌دانان عراقی وجود این رابطه را از قواعد عام می‌دانند (محمداحمد، ۱۹۹۵: ۶). این امر و همچنین عملکرد ضعیف قانون‌گذار عراقی در تعیین عامل مسئول پذیرش فاعل معنوی در حقوق عراق را بسیار دشوار می‌نماید.

در جست‌وجویی که در متون فقهی صورت گرفت غیر از حالت عبد و مولی که روی آن هم بحث وجود دارد، فرض دیگری که در آن بتوان عامل مستقیم و غیر مستقیم را مسئول قلمداد کرد و در عین حال عامل غیر مستقیم را بیش از عامل مستقیم مسئولیت داشته باشد، نمی‌توان یافت. البته بعضی از فقها در حالت اکراه معتقد به این هستند که عامل غیر مستقیم یا همان مکره سبب سلب قصاص از مکره و محکومیت وی به پرداخت دیه و در عین حال محکومیت مکره به حبس ابد هستند (خونی، ۱۴۲۸: ۱۴؛ خونی، ۱۳۹۷: ۳۷) که این نظر شاذ بوده و عموم فقها بر این عقیده استوارند که در جرم قتل توسل به اکراه امکان‌پذیر نبوده و مکره قصاص خواهد شد که البته اگر این فرض را نیز بپذیریم این دومین حالتی خواهد شد که در آن عامل غیر مستقیم و مستقیم هر دو مسئول قلمداد شده، ولی نقش پررنگ‌تر و مجازات بیشتر متوجه عامل غیر مستقیم خواهد بود و در اینجا عامل مستقیم به عبارتی فقط مسئولیت مدنی خواهد داشت. همان‌طور که بیان شد عموم فقها مخالف این نظر هستند و در فرض قتل توسط عبد به دستور مولی نیز این احتمال وجود دارد که عبد در حکم وسیله‌ای در دست مولی تلقی شده و به این واسطه جرم مستند به مولی گردیده است. کما اینکه در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام^۱ به این مطلب اشاره شد که البته این فرض با وجود مجازات حبس ابد برای عبد منافات دارد؛ چراکه اگر عبد در حکم وسیله باشد، دیگر مجازات او بی‌معنا است، مگر اینکه بگوییم وسیله بودن عبد از این رو ذکر شده است که مجازات را متوجه مولی کند و از جهت قصاص مسئولیتی متوجه عبد نباشد، اما از طرفی عبد نیز چون دست به قتل زده است باید محکوم به حبس ابد گردد.

در نگاه اخلاق مدار شارع حکم به صدق عنوان مشترک برای عاملین مادی و معنوی جرائم گردیده است، آنجا که در آیه چهارده سوره شمس خداوند می‌فرماید: «فكذبوه فعقروها...» یعنی تکذیب کنندگان حضرت صالح علیه السلام با کسی که شتر را پی می‌کند، در یک مرتبه قرار گرفته‌اند و خداوند می‌فرماید همه شما تکذیب کنندگان شتر را پی کردید، در همین راستا حضرت امیر علیه السلام در خطبه ۲۰۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «شتر ماده ثمود را یک نفر دست‌وپا برید، اما عذاب آن تمام قوم ثمود را فراگرفت، زیرا همگی آن را پسندیدند.» (دشتی، ۱۴۰۰: ۳۳۹). خداوند سبحان در آیه ۱۵۷ سوره شعرا می‌فرماید: «فعقروها فاصبحوا نادمين» یعنی «ماده شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند» اما «سرزمین آنان چونان آهن گداخته‌ای که در زمین نرم فرو رود، فریادی زد و فرو ریخت.» (دشتی، ۱۴۰۰: ۳۳۹) و در آیه ۳۸ سوره اعراف در گفتگوی میان دو گروه گمراهان و گمراه‌کنندگان، خداوند به

۱. «امیرالمؤمنین فرموده‌اند در موردی که مردی به عبد خود دستور می‌دهد تا دیگری را بکشد، مولی قصاص می‌شود و عبد به حبس ابد محکوم می‌شود، زیرا عبد در اینجا چیزی جز تازیانه یا شمشیر مولی نیست. (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۲۳)»

هر دو گروه وعده عذاب مشابه دوچندان می‌دهد، در جایی که گمراهان ادعا می‌کنند، گمراه‌کنندگان آن‌ها را گمراهی‌کشاندند^۱ یا در خطبه‌های مختلف نهج‌البلاغه از جمله خطبه ۳۰ حضرت امیر علیه آلاف التحیه و الثناء می‌فرمایند: «لو امرت به لکنتم قاتلا...» (دشتی، ۱۴۰۰: ۵۴)؛ یعنی اگر حکم به قتل عثمان داده بودم، من قاتل به حساب می‌آمدم و شریک در قتل او محسوب می‌شدم (فارسی، ۱۳۶۰: ۴۱) و این مضمون در خطبه‌های دیگر از جمله خطبه ۱۷۲، ۱۵۳، ۱۲ و ۱۷۴ نیز تکرار گردیده است، با این حساب حداقل از حیث اخلاقی تفاوتی بین عامل مادی و معنوی نیست و حکم به مسئولیت برابر عامل مادی و معنوی از لحاظ دینی بدون پشتوانه محسوب نمی‌گردد.

بنابراین رویکرد اخلاق‌گرا و مبنای عدالت‌خواهی اندیشه را به این سمت سوق می‌دهد که عامل مادی و معنوی هر دو به یک اندازه مسئول تلقی گردند و شاید بتوان از ظرفیت ماده ۲۸۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ در این راستا کمک گرفت و حکم به مفسد فی الارض بودن عامل معنوی در حدود و قصاص داد که با نقش‌آفرینی پررنگ و تأثیرگذار به صورت غیرمستقیم زمینه جرائم سنگین را فراهم کرده است.

۵. جلوه‌های اولویت رکن روانی در تشخیص رابطه استناد

نظر به اهمیت رکن روانی و جایگاه آن در عمل مجرمانه که بعد از ارتکاب جرم در جمع رکن مادی و روانی می‌توان گفت رکن روانی از اهمیت بیشتری نسبت به رکن مادی نیز برخوردار است و تجلی این مهم را در شریعت در حدیث نبوی ﷺ «الاعمال بالنیات» (عابدینی مطلق، ۱۳۹۲: ۳۷) مشاهده می‌کنیم و حتی در فقه در حالت تجری فرد بدون وجود رکن مادی و به صرف داشتن رکن روانی با مجازات روبه‌رو می‌گردد. با این حساب این ادعا که عامل معنوی در نمونه‌های رفتار غیرمستقیم در بعضی مصادیق به تنهایی یا در بعضی نمونه‌ها در کنار فاعل مادی باید پاسخگوی عمل مجرمانه باشد از محملی قابل اعتنا برخوردار است، بنابراین اگر در بعضی مواد قانون مجازات اسلامی از جمله ماده ۵۳۸، ۶۲۱ (ق.م.ا.ت) مشاهده می‌شود که فردی غیر از فاعل مادی جرم به مجازات مباشر محکوم می‌شود به علت همین اثر، نقش و جایگاه رکن روانی در ارتکاب جرم و توجه قانون‌گذار به این مهم است.

در مقام تفکیک رابطه استناد از علیت قانون‌گذار در انتهای ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲، به مصادیقی اشاره می‌کند که در آن‌ها رابطه علیت بین رفتار فردی و نتیجه مجرمانه وجود دارد، اما رابطه استناد بین رفتار وی و عمل مجرمانه

۱. «... حتی اذا دارکو فیها جمیعا قالت اخراهم لا ولاهم ربنا هؤلاء اضلونا فانهم عذابا ضعفا من النار قال لکل ضعف ولكن لا تعلمون»

و در نتیجه مسئولیت کیفری وجود ندارد و این افراد مسئولیتی نداشته و مسئولیت متوجه عامل غیر مستقیمی است که به جای اینکه بین رفتار وی و نتیجه مجرمانه رابطه علیت برقرار باشد رابطه استناد برقرار است. بنابراین نتیجه منطقی این بحث این است که معیار و ملاک مسئولیت کیفری چه در رفتار مستقیم چه در رفتار غیر مستقیم رابطه علیت نبوده و رابطه استناد است. به عبارتی رابطه علیت نه شرط لازم و نه شرط کافی در تحقق مسئولیت کیفری است، مگر اینکه با دیدی موسّع به تحقق رابطه علیت بین رکن روانی و تأثیرگذاری غیر مستقیم افراد و ارتکاب جرم حکم دهیم، و آلا به حکم ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و موادی خاص چون ماده ۵۳۰، ۶۲۱، ۵۳۸، ۶۳۳، ۶۴۰، ۶۷۲ ق.ت ۱۳۷۵ ملاک در تعیین مسئولیت کیفری افراد همانا رابطه استناد بین تأثیرگذاری فرد و نتیجه مجرمانه است. با این مبنا امکان دارد فردی با عملکرد غیر مستقیم و به صرف تأثیرگذاری در عمل مجرمانه مسئول باشد، اما عامل مستقیم مسئولیتی نداشته باشد. نتیجه منطقی این بحث آن است که اگر معیار اصلی مسئولیت کیفری رابطه استناد است و یک نفر با تأثیرگذاری غیر مستقیم بیشتر می‌تواند مسئول عمل مجرمانه باشد و عامل مستقیم مسئولیتی نداشته باشد، به طریق اولی می‌توان حکم داد در مواردی عامل مستقیم و غیر مستقیم در کنار هم و به یک اندازه در قبال عمل مجرمانه مسئول قلمداد گردند، امری که مورد تأیید قانون‌گذار در مواد مذکور نیز قرار گرفته است.

قانون‌گذار به درستی در ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ به ملاک تأثیرگذاری توجه نموده و با توجه به مبناى عدالت در مسئولیت کیفری، شخصی را که در فرایند مجرمانه اثرگذار بوده، مسئول قلمداد کرده و برای او مسئولیت کیفری در نظر گرفته است. نکته قابل توجه این است که قانون‌گذار به تمامی افرادی که در فرایند ارتکاب جرم به نحوی اثرگذار بوده‌اند، ضریب داده و آن‌ها را مسئول تلقی کرده است و نیازی نیست فرد نقش اصلی در رفتار مجرمانه داشته باشد؛ بلکه هر کس، چه به صورت مستقیم چه به صورت غیر مستقیم در ارتکاب جرم اثرگذار بوده، به نحوی که بتوانیم او را مقصر ارتکاب جرم قلمداد کنیم مسئول بوده و برای وی مسئولیت کیفری در نظر گرفته می‌شود. در واقع، از منظر قانون‌گذار، نقش آفرینی در قالب مباشر یا سبب، مختص فردی که بین رفتار وی و عمل مجرمانه رابطه علیت برقرار بوده نیست که اگر چنین بود، همان‌طور که بیان شد، انتهای ماده مذکور بی معنا جلوه می‌کرد و آنچه در نهایت ملاک است، استناد نتیجه به اثر رفتار مستقیم یا غیر مستقیم افراد است که در این میان امکان دارد فردی به میزان تأثیر در ارتکاب جرم مسئول باشد و این هیچ ارتباطی به مباشر و سبب ندارد و به تمامی عوامل

تأثیرگذار حتی عاملی که در حد شرط در مواردی در ارتکاب جرم و در قالب معاونت تأثیرگذار بوده است، برمی‌گردد که او نیز مسئول تلقی خواهد شد.

در هنگام تعدد عواملی که باعث حدوث نتیجه نهایی و اضرار گردیده است، باید اذعان داشت در زمان اجتماع عرضی اسباب متعدد که در یک زمان و مجزا از یکدیگر مؤثر در وقوع حادثه‌اند. بحث اشتراک و مسئولیت تضامنی ایشان مطرح می‌شود که این شکل از مسئولیت در تمامی حالات اجتماع اسباب و اجتماع سبب و مباشر مورد پذیرش عده‌ای قرار گرفته است (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۲۴۷) اما در مقابل با این نظر مخالفت شده (گنجی، ۱۳۹۸: ۳۵۵) و در اجتماع طولی اسباب متعدد که در زمان‌های متفاوت ولی متأثر از یکدیگر در وقوع نتیجه مؤثرند نظریه مورد پذیرش قانون‌گذار که با نظر بسیاری از فقها نیز هماهنگ است و در رویه قضایی نیز مورد توجه است (آخس و میلانی، ۱۳۹۷: ۱۰)، نظریه سبب مقدم در تأثیر است، طبق این نظریه هرگاه دخالت و تأثیر چند سبب در ورود ضرر هم‌زمان نباشد، به عبارت دیگر عوامل در طول هم باشند، ضمان بر عهده سببی است که زودتر تأثیر کرده و از این جهت مقدم بر دیگری بوده است.

به نظر می‌رسد ماده ۵۳۵ ق.م.ا. ۹۲ نیز تحت تأثیر این نظریه است. در این ماده آمده است: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است». ضمان سبب مقدم در تأثیر به این دلیل است که اسباب متأخر، تأثیرگذاری خود را از آن به عاریه گرفته‌اند. البته در سلسله اسباب طولی عامد در فرض تبانی حکم به شرکت در جنایت داده می‌شود و این شاید خود نشانه دیگری بر اهمیت رکن روانی و اثرگذاری آن بر رابطه استناد باشد. قانون مجازات ۱۹۶۹ عراق به جای ارائه یک ضابطه روشن و قاطع در این زمینه، بیشتر کوشیده با در نظر گرفتن حالت‌ها و برخی شرایط خاص راهکارهایی ارائه نماید. بر این اساس، در صورت تعدد مباشر به صورت عرضی، نتیجه بر عهده تمام عوامل گذاشته می‌شود و در حالت طولی، ممکن است مباشر (آخرین سبب) ضامن باشد؛ یا مباشر اول و یا هر دوی آن‌ها. همچنین، در فرض تعدد اسباب به صورت عرضی، حکم به تساوی مسئولیت داده شده و در صورت دخالت طولی، به شرط غیرعمدی جنایت، سبب مقدم در تأثیر ملاک قرار گرفته است. به علاوه، در اجتماع سبب و مباشر، بدون اینکه ضابطه مشخصی ارائه گردد، عاملی که خسارت منتسب به اوست، مسئول شناخته شده است. اما حقوق کیفری لبنان، ایرادات کمتری دارد و تمام این فرض‌ها را از هم تفکیک کرده و نظام مسئولیت کیفری را به خوبی تنظیم کرده است. مدل تنظیم مسئولیت کیفری میان مباشران و

اسباب در حقوق کیفری لبنان، می‌تواند مورد الهام برای قانون‌گذار عراق واقع شود تا ایرادات قانون عراق در این زمینه را رفع کند (منصور عیال، ۱۳۹۹: ۱)؛ البته همان‌طور که بیان گردید، با توجه به نظریه تساوی اسباب و طرفداران پرشمار آن در حقوق عراق به نظر می‌رسد این دیدگاه در اقلیت است و تفاوتی بین اسباب طولی و عرضی وجود نداشته و اصل بر تساوی مسئولیت اسباب مؤثر است.

باید به این نکته نیز توجه داشت بین معیار اثرگذاری و رابطه استناد تفاوت وجود دارد و رابطه دوسویه بین این دو معیار نباید منجر به خلط این دو عامل گردد، اثرگذاری بیشتر منجر به استناد جرم به رفتار و استناد مجرای تأثیر محسوب می‌شود، اما این دو معیار همواره با هم، هم‌پوشانی ندارند. چه‌بسا مصادیقی که در آن‌ها شاهد اثر بیشتر یک عامل و در عین حال استناد جرم به عامل دیگر باشیم، به‌عنوان مثال در اسباب عرضی که در آن‌ها تمامی اسباب به یک اندازه مسئولیت دارند، هرچند تأثیرگذاری آن‌ها متفاوت است؛ ولی جرم مستند به تمامی آن‌ها است. یا در اسباب طولی امکان دارد سبب مؤخر اثر بیشتری داشته باشد، اما جرم مستند به سبب اول است، به همین خاطر این دو ملاک مجزای از یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

رابطه استناد، غیر از رابطه علیت است، جایگاه رابطه علیت درون رکن مادی جرم است و باید رفتاری از فرد صادر شود و آن رفتار منتج به نتیجه شود تا گفته شود رابطه علیت وجود دارد، اما برای مسئولیت کیفری به جهت استناد نتیجه به رفتار مرتکب، رابطه علیت کافی نیست، بلکه حتی ضروری نیست. برای تحقق مسئولیت کیفری رفتار باید از شخصی صادر شود که اهلیت کیفری داشته باشد و در عین ادراک و اختیار مرتکب جرم شده باشد. در غیر این صورت، اگر موانع مسئولیت وجود داشته باشد و نتوان جرم را به عامل مادی منتسب کرد، وجود رابطه علیت برای تحقق مسئولیت کیفری کفایت نمی‌کند. در این وضعیت اگر سبب معنوی زمینه ارتکاب جرم را از طریق عامل فاقد مسئولیت فراهم کرده باشد، جرم مستند به عامل معنوی یا همان سبب اقوی است. بنابراین جهت تشخیص عامل مسئول و شخصی که جرم به وی مستند است، باید به عامل روانی که عامل اقواست و از مباشر ضعیف سوءاستفاده می‌نماید، توجه نمود و همین نشان‌دهنده این است که رکن معنوی از جایگاه بالاتری نسبت به رکن مادی جرم برخوردار است. در حقوق کشور عراق هرچند بحث عامل مسئول به‌اختصار وصف شده است و تنها یک ماده به این بحث اختصاص داده شده است، اما به نظر می‌رسد به‌صورت ضمنی قانون‌گذار عراق رابطه استناد را به رسمیت شناخته است، هر چند وقتی آثار حقوقدانان عراقی بررسی می‌شود به نظر بیشتر رغبت به این

سمت هست که شخص مسئول را در دایره رابطه سببیت مسئول قلمداد کنند و معیار مسئولیت را وجود این رابطه و عدم قطع توسط عامل دیگر می‌دانند و اشاره‌ای به رابطه استناد نمی‌نمایند، از آنجا که صرف نقش در ارتکاب منجر به مسئولیت فرد می‌شود و اگر فرد با رفتارش علت حال یا گذشته یا آینده جرم باشد، جرم را به خود مستند می‌کند، لذا از منظر قانون‌گذار عراق دایره ارتکاب وسیع است و فقط شامل حالتی نیست که بین رفتار و نتیجه رابطه سببیت در معنای مصطلح آن وجود دارد.

به نظر می‌رسد هم در حقوق ایران و هم در حقوق عراق لازم است نسبت روابط علیت و سببیت و استناد به‌وضوح مشخص شود و جایگاه هر یک از این روابط در ارکان جرم و مسئولیت کیفری روشن گردد. قانون‌گذار باید بیان دارد که صرف ارتکاب مستقیم یا غیرمستقیم جرم به ترتیب در قالب مباشرت و تسبیب برای تحقق مسئولیت کیفری کفایت نمی‌کند و این دو کیفیت ارتکاب برای مشخص کردن مرتکب مادی جرم است، نه عامل مسئول جرم ارتكابی که با رابطه استناد مشخص می‌گردد. درواقع ملاک اصلی تأثیرگذاری است و مبنای قانون‌گذار در تأثیر صرف ارتکاب رفتار مجرمانه نیست، بلکه امکان دارد عامل غیرمستقیم آن‌چنان بر روند ارتکاب جرم مؤثر بوده باشد که مرتکب مادی جرم را کنار گذاشته و خود مرتکب غیرمستقیم جرم شناخته شود. به نظر بر همین مبنا باید در مرتکبین جرائم نیز تجدیدنظر صورت بگیرد و اسباب مختلف که زمینه‌ساز ارتکاب جرم می‌شوند و آن‌چنان تأثیری دارند که جرم را به خود مستند می‌کنند، باید به رسمیت شناخته شوند. یعنی در کنار سبب اقوی باید فاعل معنوی جرم نیز به رسمیت شناخته شود و در قالب یک ماده کلی در کنار مواد مربوط به شرکت، معاونت و سردهستگی ماده‌ای به فاعل معنوی اختصاص پیدا نماید و این عملکرد قانون‌گذار قابل اقتباس توسط مقنن عراق نیز خواهد بود که کاملاً به‌اختصار شخص مسئول ارتکاب جرم را مورد بحث قرار داده است.

فهرست منابع

- آخش، محمد؛ میلانی، علیرضا (۱۳۹۷). اجتماع طولی اسباب در جنایت عمد بر نفس. سومین همایش بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی.
- اصلانی، فیروز (۱۳۷۹). تسبیب در حقوق جزای عمومی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۲). جرائم علیه اشخاص (جنایات). تهران: نشر میزان.
- امام‌دادی، علی‌رضا؛ طاهری، محمدعلی و تقی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۲). «رابطه سببیت در جرائم علیه اشخاص ناشی از انتقال ویروس ایدز». پژوهشنامه حقوق کیفری گیلان. شماره ۱.
- امینی، منصور و عنایت‌تبار، رشید (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران و عامل مداخله‌گر در حقوق انگلستان». مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران. دوره نهم. شماره ۱.
- ایزدی، محمدمهدی (۱۳۹۵). تحول قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص موجبات ضمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.
- برغانی، محمدتقی (۱۳۸۲). تحقیق عبدالحسین شهیدی دیات. قم: حدیث امروز.
- بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ ق)، استفتائات؛ چاپ اول، قم: دفتر حضرت آیت‌الله بهجت، ۴۹۶.
- ترکی، هادی جعفر الغانمی (۲۰۱۶). المساحمه بالجريمة بالوسيلة المساعدة، جامعة بغداد - كلية القانون - قسم القانون العام. توکلیان، محمد (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی سببیت در قتل در حقوق کیفری ایران و آمریکا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد شاهرود.
- ثروت، جلال (۱۹۹۴). نظم القسم العام فی قانون العقوبات، الجزء الأول، نظرية الجريمة، دار المطبوعات الجامعية، رقم ۱۲۱. چکنندی، علی (۱۳۸۸). ضمان ناشی از اجتماع مباشر و سبب و مبنای حقوقی آن. مجله پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی). دوره چهارم. شماره ۱۳.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰). «استناد و نقش آن در شرکت در جرم». نشریه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی. دوره ۱۴. شماره ۵۳.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۵). ترجمه، شرح و تعلیقه مبانی تکمله‌المنهاج. تهران: نشر میزان.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ عسگری‌مروت، علی (۱۳۹۸). «ترک فعل در جنایات غیرعمدی از معیار تا مصداق». پژوهش حقوق کیفری. سال هشتم. شماره ۲۹.
- حامدعباس، زینب (۲۰۲۵). ارکان الجريمة (العقوبات العام). کلیه المستقبل الجامعه، قسم القانون.
- حبیبی‌تبار، محمود (۱۳۹۷). چالش‌های رابطه استناد در حقوق کیفری ایران. رساله دکتری دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹). الفقه. ج ۹۰. بیروت: نشر دارالعلوم.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. ج ۱۸. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حمدامین ابراهیم، همین (۱۳۹۹). بررسی رابطه سببیت در قتل در حقوق کیفری عراق و ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: افشین عبداللہی، دانشگاه کردستان.

حیدری، عباسعلی (۱۳۸۷). «تحلیلی بر عوامل و موجبات ضمان دیه». مجله فقه و مبانی حقوق. شماره ۱۳.

خوانساری، سید احمد (بی‌تا). جامع المدارک فی شرح مختصر المنافع، جلد ۶، قم: مکتبة الصدوق.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۸). مبانی تکملة المنہاج. قم: انتشارات ستاره.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۷). مبانی تکملة المنہاج. ترجمه علی مددی. قم: انتشارات حقوق اسلامی.

الدره، ماهر عبد شویش. (۲۰۰۹). شرح قانون العقوبات القسم الخاص، القاهرة: العاتک لصناعة الكتاب.

دشتی، محمد (۱۴۰۰). ترجمه نهج البلاغه. قم: نشر حبیب.

رستمی، هادی و شعبانی‌کندسری، هادی (۱۳۹۵). «احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و مسئولیت مدنی (با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)». پژوهشنامه حقوق کیفری گیلان. سال ۴. شماره ۱۵.

ساجت ازک زوامل، مجید (۱۴۰۰). سبب و مباشر در علت مستقیم جرم مطالعه‌ای تطبیقی بین حقوق عراق و فقه اسلامی، استاد راهنما مهدی میرداداشی، مقطع کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه.

سبزیان‌فرد، شهرام (۱۳۹۷). بررسی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در فضای سایبر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد بندرعباس.

السباعی، مجید خضر أحمد. (۲۰۱۵) إشکالیه السببیه فی وقائع الجرمیه دراسه مقارنه، الكتاب الاول، مصر- الامارات، دار الكتب القانونیه، دار شتار للنشر.

السباعی، مجید خضر احمد (۱۹۹۹). الرابطة السببیه فی القانون الجنائی، دراسة تحليلية تطبيقية، رسالة ماجستير مقدم الى كلية القانون جامعة بغداد.

شاکری، ابوالحسن و مرادی‌کندلانی، اسفندیار (۱۳۸۸). «بررسی امکان ارتکاب قتل عمدی از طریق ترک فعل در فقه و حقوق کیفری»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دفتر اول.

شکری، رضا (۱۳۹۵). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر مهاجر.

شهید ثانی (۱۳۷۴). شرح لمعه، کتاب القصاص، بیروت، دارالمعارف.

شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی‌تا)، الخلاف، جلد ۵، قم: موسسه نشر اسلامی.

صادقی، محمد هادی (۱۳۹۳). «اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲». مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز. دوره ۲. شماره ۶.

صادقی، محمد هادی (۱۳۹۴). حقوق جزای اختصاصی ۱ (جرائم علیه اشخاص). تهران: نشر میزان.

صادقی، محمد هادی (۱۳۹۵). جبران خسارت در جنایات. تهران: نشر میزان.

صادقی، محمد هادی و میرزایی، محمد (۱۳۹۸). «ماهیت رابطه استناد و معیار احراز آن». مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی.

- سال یازدهم. شماره ۲۱. سمنان: دانشگاه سمنان.
- صباح منصور عیال (۱۳۹۹). نقش سبب در تحقق نتیجه مجرمانه مطالعه تطبیقی میان حقوق عراق و لبنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما سید محمد حسنی، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- طباطبایی، سید علی (۱۴۱۹ق). ریاض المسائل، جلد ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- عابدینی مطلق، کاظم (۱۳۹۲). نهج الفصاحه. قم: نشر ندای دوست.
- عبدالحمید، نظام‌الدین. (۱۹۷۵). جنایة القتل العمد فی الشریعة الإسلامية و القانون الوضعی، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه بغداد، دار الرسالة للطباعة.
- عبدالصاحب عبدة الکریم الربیعی، حسین (۲۰۲۵). جرائم الاعتداء علی حق الانسان فی التکامل الجسدي، الطبعة الأولى، العراق، جامعة سیحان.
- عبدالمالک، جندی. (۱۹۳۲). الموسوعة الجنائية، جزء ۵-۱، القاهرة، مطبعة دار کتب المصریه.
- عبید، رؤوف. (۱۹۸۵). جرائم الاعتداء علی الاشخاص و الاموال، القاهرة، چاپ ۸، دار الفكر العربی.
- علیدوست، ابوالقاسم و بای، حسینعلی (۱۳۹۱). معیار ضمان. فقه اهل بیت (ع). سال ۱۸. شماره ۷۱-۷۰.
- غلامی، حمید (۱۴۰۴). مسئولیت مدنی در عراق، مصر و تونس. بی‌نا.
- فارسی، محسن (۱۳۶۰). نهج البلاغه در سخنان علی (ع). تهران: نشر امیرکبیر.
- فاضل هندی (۱۴۰۵). کشف اللثام، جلد ۲، قم: منشورات مکتبه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- فروغی، فضل‌الله، باقرزاده‌گان، امیر و میرزایی، محمد (۱۳۹۵). «واکاوای فقهی - حقوقی احکام وضعی - تکلیفی ترک فعل با توجه به رابطه استناد». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. سال ۱۱. شماره ۴۵.
- فلاح، علی (۱۳۹۵). کمک حافظه حقوق مدنی. تهران: نشر دوران‌اندیشان.
- قربانپور، امیرمهدی (۱۳۸۵). «تقصیر و رابطه سببیت در نظام مسئولیت مدنی». مجله حقوقی دادگستری. شماره ۵۴.
- گنجی، مریم (۱۳۹۸). «معیارهای تشخیص و مصادیق سبب اقوی از مباشر در قوانین جزایی و فقه». فصلنامه بین‌المللی قانون یار. دوره ۳. شماره ۱۲.
- مبین، حجت (۱۳۹۰). نظریه قابلیت استناد. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- محقق حلی، نجم‌الدین (۱۴۰۳ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: انتشارات استقلال.
- محمد أحمد، حسان الدین (۱۹۹۵). المساعدة علی ارتکاب الجريمة، دراسة مقارنة، دارالنهضة العربیة، الطبعة الأولى، رقم ۵.
- المشهدانی، مروان عضید عزت (۲۰۲۰). «العلاقة السببية بین الخطأ والضرر فی القانون المدني العراقي» - دراسة مقارنة -، المشکاة فی الاقتصاد التنمية و القانون، دوره ۵، شماره ۲.
- مکی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۷). مسالک الافهام، جلد ۱۲، قم: نشر مؤسسه معرف اسلامی.
- منصورآبادی، عباس (۱۳۹۴). حقوق کیفری عمومی ۱. تهران: نشر میزان.
- مؤمنی، خسرو (۱۳۹۵). «کیفیت مسئولیت عوامل متعدد زیان (نقد مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲)». مطالعات فقه و

حقوق اسلامی. سال ۸. شماره ۱۴.

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷ ش.). *جواهرالکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

حسنی، محمود نجیب (۱۳۸۶). *رابطه سببیت در حقوق کیفری*. ترجمه سید علی عباس نیای زارع. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

نرم‌افزار گنجینه استفتانات قضایی (نسخه دوم) (۱۳۹۰). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا.

نمور، محمد سعید (۲۰۰۸). *شرح قانون العقوبات: القسم الخاص: الجزء الاول: الجرائم الواقعة على الاشخاص*، چاپ اول، عمان، دار الثقافة للنشر والتوزيع.

الهی منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن (۱۳۹۲). *جرائم علیه اشخاص*، تهران: انتشارات مجد.

واثبة السعدي، داود (۱۹۸۹). *قانون العقوبات - القسم الخاص*. بغداد: جامعه بغداد.

References

Martin, Elizabeth. A., (2000), *A Dictionary of Law*, New York, Oxford University Press. Available at http://www.irhiv.com/index.php?option=com_content&view